

بررسی و تبیین طبقه بندی نظام مالیاتی با مذاقه در مالیات

بر درآمد در نظام مالیاتی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۴)

علی فرمانی^۱

مریم محمودی

چکیده

نظام مالیاتی، به مثابه یکی از نهادهای بنیادین دولت مدرن، کارکردی دوگانه دارد: از یک سو ابزار تأمین مالی پایدار دولت و از سوی دیگر سازوکار هدایت رفتار اقتصادی و بازتوزیع برای تحقق عدالت اجتماعی. در ایران نیز با توجه به محدودیت‌های درآمدهای نفتی، تورم مزمن، گسترده‌ی اقتصاد غیررسمی و فشارهای بودجه‌ای، نقش مالیات در حکمرانی مالی برجسته‌تر شده است. این مقاله با رویکرد تحلیلی تبیینی، نخست به چارچوب‌های نظری طبقه‌بندی نظام مالیاتی پرداخته و سپس طبقه‌بندی نظام مالیاتی ایران را با مذاقه در مالیات بر درآمد واکاوی می‌کند. در ادامه، جایگاه مالیات‌های مستقیم و به‌ویژه مالیات بر درآمد در قانون مالیات‌های مستقیم و نسبت آن با مالیات بر کالا و خدمات (نظیر مالیات بر ارزش افزوده) بررسی می‌شود. مقاله نشان می‌دهد که هرچند ساختار حقوقی ایران ظرفیت‌های متعددی برای گسترش پایه‌های مالیات بر درآمد دارد، اما چالش‌هایی مانند چندپارگی داده‌ها، معافیت‌ها و ترجیحات مالیاتی، ضعف پوشش اقتصاد دیجیتال و غیررسمی، و شکاف اعتماد مالیاتی مانع تحقق کامل کارکردهای عدالت‌محور و کارایی‌محور این نوع

مالیات شده است. هم‌زمان، حرکت به سمت دیجیتالی‌سازی و سامانه‌محوری به‌ویژه در قالب قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان —می‌تواند به بهبود تمکین، کاهش فرار مالیاتی و هدفمند شدن سیاست‌های مالیاتی کمک کند.

واژگان کلیدی: نظام مالیاتی ایران، طبقه‌بندی مالیات‌ها، تمکین مالیاتی، فرار مالیاتی، سامانه مؤدیان، صورتحساب الکترونیکی

مقدمه

مالیات در اندیشه مالیه عمومی صرفاً یک ابزار تأمین درآمد برای دولت نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین سازوکارهای «سیاست‌گذاری عمومی» به شمار می‌آید که از طریق آن می‌توان هم‌زمان چند هدف کلان را دنبال کرد: تأمین مالی پایدار برای ارائه خدمات عمومی، اصلاح و هدایت رفتارهای اقتصادی (از جمله الگوهای تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری)، کاهش نابرابری و تحقق عدالت اجتماعی، و نیز ارتقای کیفیت حکمرانی از طریق شفافیت و پاسخ‌گویی. به همین دلیل، تحلیل نظام مالیاتی بدون تکیه بر یک چارچوب طبقه‌بندی روشن و علمی، معمولاً به داوری‌های پراکنده و غیرقابل‌اتکا منجر می‌شود؛ زیرا کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام مالیاتی تنها با نگاه به «میزان وصول» قابل سنجش نیست، بلکه باید نسبت آن با پایه‌های مالیاتی، نرخ‌ها، معافیت‌ها، شیوه تشخیص و وصول، هزینه‌های تمکین برای مؤدیان، و سازوکارهای نظارت و دادرسی نیز بررسی شود. در واقع، طبقه‌بندی مالیات‌ها به منزله نقشه‌ای است که امکان می‌دهد اجزای نظام مالیاتی به‌صورت نظام‌مند شناسایی، مقایسه

و ارزیابی شود و آثار اقتصادی و اجتماعی هر دسته مالیاتی با دقت بیشتری تحلیل گردد. در ایران، ضرورت پرداختن به طبقه‌بندی نظام مالیاتی از چند جهت برجسته‌تر است. نخست، ساختار حقوقی مالیات‌ستانی کشور متکی بر مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که در طول زمان دچار اصلاحات و الحاقات متعدد شده‌اند و همین امر، فهم یکپارچه از نسبت میان مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، و نیز جایگاه هر پایه مالیاتی را دشوارتر می‌کند. دوم، اقتصاد ایران با ویژگی‌هایی مانند سهم قابل توجه بخش غیررسمی، نوسانات اقتصادی، تورم ساختاری، و محدودیت‌های منابع ناپایدار مواجه است؛ شرایطی که باعث می‌شود «کارکرد درآمدی و تنظیمی مالیات» بیش از گذشته در کانون سیاست‌گذاری قرار گیرد. سوم، در سال‌های اخیر حرکت به سمت سامانه‌محوری، دیجیتالی‌سازی فرآیندهای مالیاتی، توسعه صورتحساب الکترونیکی و سامانه مؤدیان در دستور کار قرار گرفته است؛ تحولی که از یک سو ظرفیت کاهش فرار مالیاتی، تقویت نظارت، و افزایش دقت تشخیص را دارد، اما از سوی دیگر پرسش‌های مهمی درباره آمادگی نهادی، هزینه‌های تطبیق برای کسب‌وکارها و آثار آن بر تمکین مالیاتی مطرح می‌کند. در چنین زمینه‌ای، داشتن یک تصویر تحلیلی و منظم از طبقه‌بندی نظام مالیاتی ایران، پیش‌شرط بحث‌های دقیق‌تر درباره اصلاحات مالیاتی و ارزیابی سیاست‌های جاری است.

از میان پایه‌های مختلف مالیاتی، مالیات بر درآمد جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا در نظریه مالیه عمومی، این نوع مالیات مهم‌ترین ابزار تحقق اصل «توان پرداخت» و عدالت عمودی محسوب می‌شود و می‌تواند در کنار کارکرد درآمدی، نقش مؤثری در بازتوزیع و کاهش نابرابری ایفا کند. با این حال، کارایی و عدالت مالیات بر درآمد وابسته به عواملی مانند گستردگی پایه، میزان شفافیت درآمدی، سازوکارهای اطلاعاتی و کنترل متقاطع، و همچنین طراحی معافیت‌ها

و نرخ‌هاست. بنابراین، پرداختن به طبقه‌بندی نظام مالیاتی ایران بدون تمرکز ویژه بر مالیات بر درآمد، تصویری ناقص از منطق و جهت‌گیری‌های سیاست مالیاتی ارائه می‌دهد.

بخش اول: مبانی نظری و ادبیات پژوهش

بند اول: چارچوب‌های نظری طبقه‌بندی مالیات‌ها

در نظریه‌های کلاسیک و نئوکلاسیک مالیه عمومی، طبقه‌بندی مالیات‌ها برای تحلیل سه کارکرد اصلی دولت به کار می‌رود: تخصیص منابع، توزیع مجدد و تثبیت اقتصادی. مالیات‌ها به طور رایج از چند زاویه طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم: مالیات مستقیم مستقیماً بر درآمد یا ثروت اشخاص وضع می‌شود و بار مالیاتی آن معمولاً قابل انتقال کامل به دیگری نیست (مانند مالیات بر درآمد). در مقابل، مالیات غیرمستقیم بر مصرف یا مبادله تحمیل می‌شود و امکان انتقال بار آن به مصرف‌کننده نهایی بیشتر است (مانند مالیات بر ارزش افزوده). این تمایز برای تحلیل عدالت عمودی (توان پرداخت) و نیز آثار تورمی اهمیت دارد.

ب) مالیات‌های شخصی و عینی: در مالیات شخصی، ویژگی‌های مؤدی (وضعیت خانوار، مخارج ضروری، معافیت‌های مبتنی بر وضعیت فرد) در محاسبه لحاظ می‌شود، در مالیات عینی، موضوع مالیات مستقل از وضعیت شخصی مؤدی سنجیده می‌شود. مالیات بر درآمد طراحی شده بر مبنای مجموع درآمد معمولاً ظرفیت شخصی‌سازی بیشتری دارد.

پ) مالیات‌های تناسبی، تصاعدی و تنازلی: مالیات تناسبی نرخ ثابت دارد، مالیات تصاعدی با افزایش پایه، نرخ متوسط یا نهایی افزایش می‌یابد و به عدالت توزیعی نزدیک‌تر است،

مالیات‌های غیرمستقیم در عمل می‌توانند اثر تنازلی داشته باشند (سهم مالیات از درآمد برای اقشار کم‌درآمد بالاتر باشد)، مگر آن‌که طراحی نرخ‌ها و معافیت‌ها هدفمند باشد. ادبیات بین‌المللی بر این نکته تأکید دارد که مالیات بر درآمد، در صورت پوشش مناسب و اجرای دقیق، می‌تواند نقش بازتوزیعی برجسته‌تری نسبت به مالیات‌های مصرف ایفا کند.

ت) مالیات‌های ملی و محلی: برخی مالیات‌ها برای بودجه عمومی دولت مرکزی وضع می‌شود و برخی دیگر برای شهرداری‌ها و نهادهای محلی یا با سازوکار توزیع بین سطوح حکمرانی وصول می‌گردد. در ایران، مالیات بر ارزش افزوده علاوه بر نقش درآمدی، سازوکارهایی برای توزیع منابع و عوارض میان سطوح محلی نیز دارد.

بند دوم: مالیات بر درآمد در ادبیات سیاست‌گذاری

در ادبیات جدید، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی (PIT) در اقتصادهای در حال توسعه معمولاً با سه مانع اصلی روبه‌روست: پایه محدود (به دلیل غیررسمی بودن)، ظرفیت اجرایی پایین، و ضعف داده‌های قابل اتکا. صندوق بین‌المللی پول در پژوهش‌های خود نشان می‌دهد که در بسیاری از اقتصادهای نوظهور، PIT سهمی کمتر از اقتصادهای پیشرفته دارد و اثر بازتوزیعی آن نیز محدودتر است، مگر آن‌که طراحی آن با پوشش گسترده و ابزارهای اجرایی مدرن همراه شود.

بند سوم: ادبیات داخلی: مالیات بر مجموع درآمد و اصلاحات نهادی

در پژوهش‌های داخلی، یکی از بحث‌های پررنگ، امکان استقرار «مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی» (و موانع نهادی-سیاسی آن است، برخی مطالعات با رویکرد تحلیل نهادی و

انتخاب عمومی، به تعارض منافع بازیگران، مقاومت ذی نفعان، و نیاز به زیر ساخت اطلاعاتی و سازمانی اشاره می کنند .

همچنین مطالعات دیگری بر ضرورت تحول در نظام مالیات اشخاص حقیقی و استخراج الگوی مطلوب برای ایران تمرکز کرده اند .

بخش دوم: طبقه بندی نظام مالیاتی ایران با تمرکز بر مالیات بر درآمد

بند اول: نقشه کلی نظام مالیاتی ایران

در یک تصویر کلان، نظام مالیاتی ایران را می توان در دو دسته بزرگ دید:

۱. مالیات های مستقیم (که ستون اصلی آن ها قانون مالیات های مستقیم است)،
۲. مالیات های غیرمستقیم/بر کالا و خدمات (که نمونه محوری آن مالیات بر ارزش افزوده است)
۳. قانون مالیات های مستقیم، چهارچوب اصلی مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد را تبیین می کند و سازو کارهای تشخیص، مطالبه، اعتراض و دادرسی مالیاتی را نیز دربر می گیرد . در سمت مالیات های غیرمستقیم، قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۴۰۰ (با تاریخ تصویب و سازو کارهای اجرایی مشخص) به عنوان قانون دائمی، مبانی نرخ، معافیت ها، تکالیف مؤدیان، جرایم و ترتیبات تخصیص را تعیین کرده است .

بند دوم: طبقه‌بندی مالیات‌ها در ایران بر اساس معیارهای نظری

الف) مستقیم/غیرمستقیم: بر اساس گزارش‌های رسمی منتشرشده، در برخی سال‌ها سهم مالیات‌های مستقیم از کل درآمد مالیاتی قابل توجه بوده و رقم مالیات کالا و خدمات نیز بخش مهمی را تشکیل داده است. این ترکیب، نشان می‌دهد سیاست مالیاتی ایران در عمل بر دو ستون «درآمد و سود» و «مصرف و مبادله» تکیه دارد، اما وزن‌دهی میان این دو ستون می‌تواند بسته به شرایط اقتصادی و سیاست‌های دولت تغییر کند.

ب) پایه‌های اصلی مالیات‌های مستقیم: در قانون مالیات‌های مستقیم، مالیات بر درآمد به عنوان یک باب مستقل با اجزای متنوع طراحی شده است، از جمله درآمد حقوق، درآمد مشاغل، درآمد اشخاص حقوقی، درآمد اجاره املاک، درآمد اتفاقی و... این تنوع، از یک‌سو ظرفیت پوشش اقتصاد متنوع را ایجاد می‌کند، اما از سوی دیگر اگر داده‌ها یکپارچه نباشد، ممکن است به پراکندگی پایه و شکل‌گیری منافذ فرار مالیاتی منجر شود.

پ) شخصی/عینی بودن مالیات بر درآمد در ایران: در عمل، بخشی از مالیات‌های بر درآمد در ایران به شکل «منبع‌محور» یا «جدول‌محور» اجرا می‌شود، یعنی هر منبع درآمدی قواعد خاص خود را دارد و این می‌تواند مانع شکل‌گیری نگاه «شخص‌محور» و «مجموع درآمدی» شود. همین موضوع در ادبیات داخلی به عنوان یکی از دلایل طرح ایده مالیات بر مجموع درآمد مطرح می‌شود، زیرا مجموع درآمدی می‌تواند توان پرداخت واقعی را بهتر بازنمایی کند—البته به شرط فراهم بودن داده‌های تجمیعی و نظام شناسایی مؤدی.

بند سوم: تمرکز تحلیلی: مالیات بر درآمد و منطق کارکردی آن

مالیات بر درآمد در چهارچوب نظری، از دو منطق اصلی تغذیه می‌کند:

۱. اصل توان پرداخت (توان بیشتر، مالیات بیشتر)،

۲. اصل منفعت (بهره‌مندی از خدمات عمومی)

در ایران، تحقق منطق توان پرداخت به دو عامل وابسته است: (الف) طراحی نرخ‌ها و معافیت‌ها به گونه‌ای که عدالت عمودی رعایت شود، (ب) اجرای دقیق و کاهش شکاف اطلاعاتی برای جلوگیری از آن که تنها گروه‌های حقوق‌بگیر شفاف، بار مالیاتی را تحمل کنند و بخش‌های غیرشفاف از مالیات‌ستانی مؤثر فاصله بگیرند. در این نقطه، دیجیتالی‌سازی و سامانه‌های مودیان می‌تواند اثرگذار باشد، زیرا ابزارهای داده‌محور امکان رصد بهتر جریان فروش، خدمات و صورتحساب‌ها را تقویت می‌کند و ظرفیت کنترل متقاطع را بالا می‌برد.

بند چهارم: پیوند مالیات بر درآمد با اصلاحات اجرایی و سامانه‌ای

یکی از تحولات مهم حکمرانی مالیاتی در ایران، پیشبرد زیرساخت‌های صورتحساب الکترونیکی و سامانه مؤدیان و چارچوب‌های قانونی آن است. این تحول از منظر نظری، دو پیامد کلیدی دارد:

کاهش هزینه‌های وصول و نظارت از طریق اتوماسیون و داده‌کاوی، افزایش احتمال کشف فرار مالیاتی و بهبود «ادراک انصاف» در میان مؤدیان.

ادبیات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد دیجیتالی‌سازی^{۱۰} از جمله e-invoicing و فناوری‌های مالیاتی می‌تواند تمکین را افزایش دهد، اما اجرای تدریجی، آموزش، و مدیریت هزینه‌های تطبیق برای بخش خصوصی ضروری است.

بخش سوم: چالش‌ها، مسیرهای اصلاح، محدودیت‌ها و پیشنهادها

بند اول: چالش‌های ساختاری مالیات بر درآمد در ایران

نخستین چالش، ناهمگنی شفافیت درآمدی است، در بسیاری از نظام‌ها، حقوق‌بگیران به دلیل کسر مالیات در منبع، شفاف‌ترند، در مقابل، برخی فعالیت‌های حرفه‌ای، کسب و کارهای خرد و اقتصاد پلتفرمی ممکن است شفافیت پایین‌تری داشته باشند. این وضعیت اگر با سیاست‌های سخت‌گیرانه صرف علیه بخش رسمی همراه شود، به کاهش اعتماد و افزایش انگیزه خروج از شفافیت می‌انجامد.

چالش دوم، گستردگی معافیت‌ها و ترجیحات است. از منظر مالیه عمومی، معافیت‌ها اگر هدفمند و زمان‌دار نباشند، هم پایه مالیاتی را فرسایش می‌دهند و هم عدالت افقی را مخدوش می‌کنند، زیرا افراد با توان پرداخت مشابه، ممکن است صرفاً به دلیل برخورداری از یک معافیت یا رانت اطلاعاتی، مالیات متفاوتی بپردازند.

چالش سوم، فقدان یکپارچگی داده‌ها و استانداردهای تبادل اطلاعات است. حتی بهترین طراحی قانونی، بدون زنجیره اطلاعاتی معتبر (ثبت احوال اقتصادی مؤدی، داده‌های بانکی/تراکنشی مطابق قانون، مالکیت دارایی، داده‌های بیمه‌ای و ...) به مالیات‌ستانی دقیق منجر نمی‌شود. حرکت به سمت سامانه‌ها و صورتحساب الکترونیکی می‌تواند این شکاف را کاهش دهد، اما مستلزم کیفیت داده و همکاری نهادی است.

بند دوم: اصلاحات اخیر و افق سیاست‌گذاری

در سطح سیاست‌گذاری، طرح‌ها و لوایح مرتبط با اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و نیز استقرار سامانه‌های مالیاتی، نشان‌دهنده تلاش برای بازطراحی قواعد بازی است، هرچند ارزیابی اثربخشی آن‌ها منوط به تصویب نهایی، آیین‌نامه‌های اجرایی و کیفیت اجراست. از سوی دیگر، انتشار گزارش‌های پژوهشی درباره مالیات بر درآمد شرکت‌ها و تمرکز بر نرخ مؤثر مالیاتی، حاکی از آن است که بحث از «نرخ اسمی» فراتر رفته و ارزیابی «بار واقعی مالیاتی» در دستور کار تحلیل‌گران قرار گرفته است، این نگاه می‌تواند به اصلاحات مبتنی بر شواهد کمک کند.

بند سوم: پیشنهاد‌های سیاسی

برای ارتقای کارکرد مالیات بر درآمد در ایران، مجموعه‌ای از پیشنهادها قابل طرح است. نخست، حرکت تدریجی و مرحله‌بندی‌شده به سمت یکپارچه‌سازی نگاه به درآمد (تقویت رویکرد مجموع درآمدی) در کنار حفظ ظرفیت اجرایی سازمان مالیاتی ضروری است، زیرا اجرای شتاب‌زده بدون داده‌های قابل اتکا، به اختلافات گسترده، افزایش پرونده‌های اعتراض و کاهش تمکین می‌انجامد. دوم، بازنگری در معافیت‌ها باید با معیارهای شفاف انجام شود: هر معافیت باید هدف روشن (مثل حمایت از اقشار آسیب‌پذیر یا تشویق سرمایه‌گذاری مولد)، زمان‌بندی مشخص، و سازوکار ارزیابی اثر داشته باشد. سوم، برای جلوگیری از فشار نامتوازن بر بخش رسمی، ابزارهای سامانه‌ای باید به سمت **کشف پایه‌های پنهان** و کاهش اقتصاد زیرزمینی هدایت شود تا عدالت افقی تقویت گردد. چهارم، سرمایه‌گذاری در آموزش مالیاتی و ارتباطات عمومی برای بهبود «فرهنگ مالیاتی» و اعتماد اجتماعی ضروری است، زیرا حتی

نظام‌های پیشرفته نیز بدون مشروعیت اجتماعی، با هزینه‌های بالای اجرا مواجه می‌شوند. این پیشنهادها با یافته‌های ادبیات بین‌المللی درباره نقش دیجیتالی‌سازی در تمکین و نیز محدودیت‌های PIT در اقتصادهای نوظهور سازگار است.

نتیجه‌گیری

طبقه‌بندی نظام مالیاتی صرفاً یک چارچوب توصیفی برای نام‌گذاری انواع مالیات‌ها نیست، بلکه ابزاری تحلیلی برای فهم «منطق طراحی»، «کارکردهای اقتصادی-اجتماعی» و «الزامات اجرایی» هر پایه مالیاتی است. بر اساس بحث‌های این مقاله، نظام مالیاتی ایران را می‌توان در چهارچوب‌های رایج مالیه عمومی عمده‌تأذیل دو ستون بزرگ مالیات‌های مستقیم و مالیات‌های غیرمستقیم صورت‌بندی کرد. این دوگانه، از حیث سیاست‌گذاری اهمیت دارد، زیرا مالیات‌های غیرمستقیم معمولاً از منظر وصول ساده‌تر و پایدارترند، اما در صورت فقدان جبران‌های هدفمند، می‌توانند آثار توزیعی نامطلوب داشته باشند، در مقابل، مالیات‌های مستقیم به‌ویژه مالیات بر درآمد ظرفیت بیشتری برای تحقق عدالت مالیاتی، کاهش نابرابری و نزدیک شدن به اصل «توان پرداخت» دارند، به شرط آنکه پایه و سازوکار اجرای آن به‌درستی طراحی شود.

یافته مرکزی مقاله آن بود که مالیات بر درآمد در نظام مالیاتی ایران، به‌عنوان هسته مالیات‌های مستقیم، بالقوه قادر است سه هدف کلیدی را هم‌زمان پیش ببرد: نخست، تأمین مالی پایدار دولت و کاهش وابستگی به منابع ناپایدار، دوم، بازتنظیم توزیع درآمد از طریق سازوکارهای نرخ‌گذاری و معافیت‌های هدفمند، و سوم، ارتقای حکمرانی اقتصادی با ایجاد نظم اطلاعاتی و شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی. با این حال، تحقق این ظرفیت‌ها صرفاً با تصویب قواعد حقوقی یا افزایش نرخ‌های اسمی امکان‌پذیر نیست، بلکه به مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌ها وابسته

است. این پیش شرط ها را می توان در سه محور اصلی جمع بندی کرد: گسترده گی و انصاف پایه مالیاتی (به گونه ای که همه اشکال درآمد متناسب با توان پرداخت پوشش داده شوند) اجرای داده محور و کم هزینه (کاهش هزینه وصول و هزینه تمکین برای مؤدیان) و مشروعیت اجتماعی (تقویت ادراک انصاف و کاهش احساس تبعیض میان مؤدیان)

یکی از مسائل بنیادین مالیات بر درآمد در ایران، نامتقارن بودن شفافیت درآمدی است، به گونه ای که بخش هایی از اقتصاد به ویژه حقوق بگیران و فعالیت های رسمی به دلیل امکان کسر مالیات در منبع و قابلیت ردیابی بالاتر، بیشتر در معرض مالیات ستانی مؤثر قرار می گیرند، در حالی که برخی بخش های کم شفاف (بخش هایی از مشاغل، اقتصاد غیررسمی و برخی درآمدهای نوپدید) ممکن است سهمی کمتر از بار مالیاتی بپردازند. این عدم توازن، اگر پایدار بماند، دو پیامد منفی دارد: از یک سو عدالت افقی را مخدوش می کند (افراد با توان پرداخت مشابه مالیات متفاوت می پردازند) و از سوی دیگر می تواند انگیزه خروج از شفافیت و کاهش تمکین را تقویت کند. بنابراین، محور اصلاحات باید به سمت کاهش شکاف اطلاعاتی، پوشش منصفانه تر پایه ها و ایجاد توازن میان گروه های مختلف مؤدیان حرکت کند، نه صرفاً تمرکز بر افزایش نرخ ها.

از منظر اصلاحی، مسیر آینده مالیات بر درآمد در ایران بیش از آنکه با «شدت بخشی تنبیهات» یا «افزایش های مقطعی نرخ» به نتیجه برسد، با هوشمندسازی شناسایی و راستی آزمایی درآمد و بازطراحی ترجیحات مالیاتی تقویت می شود. به بیان دقیق تر، ضروری است نظام مالیاتی به تدریج از وضعیت منبع محور و پراکنده (که هر منبع درآمد قاعده ای مجزا دارد) به سوی تقویت نگاه تجمیعی و کنترل های متقاطع حرکت کند تا امکان برآورد دقیق تر توان پرداخت فراهم شود. هم زمان، معافیت ها و ترجیحات مالیاتی باید از منظر «هدف»، «دامنه»، «مدت» و «اثر

قابل سنجش» بازنگری شوند، زیرا معافیت‌های گسترده و غیره‌دمنده هم پایه مالیاتی را فرسایش می‌دهد و هم می‌تواند به بی‌انضباطی و رانت ادراکی منجر شود.

در این چارچوب، سامانه مؤدیان و صورتحساب الکترونیکی نه یک ابزار صرفاً فنی، بلکه جزء مهمی از زیرساخت حکمرانی مالیاتی محسوب می‌شوند. این ابزارها می‌توانند امکان ردیابی زنجیره معاملات، کاهش پرونده‌محوری و تقویت تشخیص مبتنی بر داده را فراهم کنند و در نتیجه، هم احتمال کشف فرار مالیاتی را افزایش دهند و هم با کاهش سلیقه‌گرایی، اعتماد را بهبود بخشند. با این وجود، موفقیت این گذار دیجیتال مشروط به چند الزام است: اجرای مرحله‌ای و واقع‌بینانه، استانداردسازی داده و تعامل نهادی، پشتیبانی آموزشی برای مؤدیان، و مدیریت هزینه‌های تطبیق کسب و کارها به‌ویژه بنگاه‌های کوچک تا «هزینه تمکین» به مانع تولید و فعالیت رسمی تبدیل نشود.

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت تقویت مالیات بر درآمد در ایران زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که هم‌زمان سه مؤلفه کارایی اجرایی، عدالت مالیاتی و پذیرش اجتماعی «مورد توجه قرار گیرد. اگر نظام مالیات بر درآمد بتواند از وضعیتی که بار اصلی آن بر بخش‌های شفاف و حقوق‌بگیران متمرکز است، به وضعیتی ارتقا یابد که تمام اشکال درآمد (حقوق، مشاغل، سرمایه، اجاره، درآمدهای نوپدید و...) با قواعد روشن، منصفانه و قابل اجرا پوشش داده شوند، آنگاه دو دستاورد کلان حاصل می‌شود: نخست، پایداری مالی دولت از مسیر افزایش درآمدهای غیرتورمی و کاهش اتکای بودجه به منابع ناپایدار تقویت می‌گردد، دوم، عدالت مالیاتی به عنوان یک سرمایه اجتماعی و نهادی ارتقا می‌یابد و خود به افزایش تمکین، کاهش تعارضات مالیاتی و بهبود کیفیت حکمرانی منجر خواهد شد. نتیجه اصلی این پژوهش آن است که اصلاح مالیات بر درآمد در ایران یک پروژه صرفاً حقوقی یا فناورانه نیست، بلکه

پروژه‌ای نهادی - اجتماعی است که باید با هم‌زمانی اصلاح قواعد، اصلاح اجرا و بازسازی اعتماد عمومی پیش برود.

منابع و مآخذ

۱. مجلس شورای اسلامی. (بی تا). *قانون مالیات های مستقیم*.
۲. سازمان امور مالیاتی کشور. (۱۴۰۳). *اشخاص مشمول اجرای قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان کدامند؟ (سوال متداول شماره ۲۲۳۱)*.
۳. سازمان امور مالیاتی کشور. (۱۴۰۴). *نرخ مالیات بر ارزش افزوده موضوع ماده (۷) قانون مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۴۰۳ به چه میزان است؟*
۴. سازمان امور مالیاتی کشور. (بی تا). *مراحل ده گانه فراخوان مالیات بر ارزش افزوده*.
۵. سازمان امور مالیاتی کشور. (بی تا). *اسناد مربوط به صدور و ثبت صورتحساب الکترونیکی و نحوه اتصال به سامانه مؤدیان از چه طریق قابل دسترسی است؟*
۶. سازمان امور مالیاتی کشور. (بی تا). *ثبت مشخصات پایانه فروشگاهی و حافظه مالیاتی*
۷. سازمان امور مالیاتی کشور. (۱۴۰۲). *بخشنامه سقف معافیت مالیاتی و نرخ مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی سال ۱۴۰۲*.
۸. سازمان امور مالیاتی کشور. (۱۴۰۰). *تکالیف اشخاص حقیقی و صاحبان مشاغل*
۹. بهمن پور خالصی، محمدحسین. (۱۴۰۳). *مالیات بر مجموع درآمد (۴): محورهای کلیدی در تنظیم قانون مالیات بر مجموع درآمد (گزارش شماره مسلسل ۱۹۸۱۳)*. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱۰. مرادزاده، مهتاب. (۱۴۰۲). تحلیلی بر مالیات بر مجموع درآمد اشخاص در اقتصاد ایران. *امنیت اقتصادی*، ۱۱ (۶) ۶۷-۸۰.
۱۱. جهرومی، مهتاب، & مشایخی، بیتا. (۱۴۰۰). ارائه چارچوبی برای حسابداری مالیات بر درآمد در ایران. *پیشرفت های حسابداری*، ۱۳ (۲) ۶۹-۹۶.
۱۲. دادگر، یدالله، & غفاری، علی اکبر. (۱۳۸۷). بررسی اثر مالیات حقوق بر توزیع درآمد در ایران. *پژوهش های اقتصادی*، (۳) (اطلاعات مقاله در پایگاه ensani)
۱۳. گیلک حکیم آبادی، محمدتقی. (۱۳۷۹). تحلیل مقایسه ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران. *تحقیقات اقتصادی*، (۵۷). (اطلاعات مقاله در پایگاه ensani)
۱۴. احمدی، امید، جهانگیری بابادی، آرش، & عالمی، خاطره. (۱۴۰۲). تحلیل اثرگذاری اشکال مختلف مالیات بر تولید و تورم، با تاکید بر مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد. *مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی*، ۳ (۳) ۱۲۳-۱۴۶.
۱۵. خلفی، سپیده، & سلیمانی، راضیه. (۱۴۰۴). بررسی تاثیر سامانه مؤدیان بر بهبود کارایی مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی در نظام اقتصادی ایران. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، (۹۶) ۱۲۷۰-۱۲۸۱.

۱۶. سبحانیان، سیدمحمد هادی، & هراتی، اشکان. (۱۴۰۲). بررسی نظام‌مند نقش صورتحساب‌های الکترونیکی در مدیریت موثر نظام مالیاتی کشور و شناسایی چالش‌ها و راهکارهای اجرایی آن. *پژوهشنامه مالیات*، (۱۰۸) ۸-۳۹.

۱۷. سعادت‌مهر، مسعود، & بازگیر، افشین. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر مالیات بر ثروت بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، (۴۶) ۱۲۱-۱۳۷.

۱۸. رضایی، ابراهیم. (۱۳۹۴). اثر تغییرات جمعیتی بر مالیات ناشی از مصرف و درآمد در اقتصاد ایران: رویکرد شبیه‌سازی خرد. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، (۱۶) ۱۰۷-۱۳۴.

۱۹. هادیان، ابراهیم، & استادزاد، علی حسین. (۱۳۹۴). محاسبه نرخ بهینه مالیات بر درآمد با و بدون ملاحظات زیست‌محیطی. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، (۱۴) ۱-۲۶.

۲۰. یوسفی، فرزاد. (۱۴۰۳). سامانه مؤدیان، چالش‌ها و فرصت‌های اجرای آن. در *یازدهمین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری و اقتصاد در توسعه پایدار (مشهد)*. سیویلیکا.

۲۱. Benedek, D., Benitez, J. C., & Vellutini, C. (۲۰۲۲). *Progress of the personal income tax in emerging and developing countries* (IMF Working Paper No. ۲۲/۰۲۰. International Monetary Fund. <https://doi.org/10.5089/9798400201134.001>

۲۲. Nose, M., & Mengistu, A. (۲۰۲۳). *Exploring the adoption of selected digital technologies in tax administration: A cross-country perspective*
۲۳. Organisation for Economic Co-operation and Development. (n.d.). *Tax policy*. OECD.
۲۴. Organisation for Economic Co-operation and Development. (n.d.). *Tax administration digitalisation and digital transformation initiatives*. OECD. World Bank. (n.d.). *Personal income taxes in developing countries*. World Bank Documents & Reports.